

بررسی تأثیر ارزش‌ها و جایگاه اجتماعی و تحصیلی خانواده بر

انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۰/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۳/۱۸)

دکتر شهلا رضایی^۱

مستوره منوچهری

هانیه سلیمانی

چکیده

خانواده اولین کانون شکل‌گیری شخصیت و یادگیری روابط اجتماعی است. اولین موسسه‌ای که فرد را با زندگی اجتماعی آشنا می‌سازد خانواده است. زندگی خانوادگی در درونی ساختن رفتارها، نگرش‌ها و ارزش‌ها نقش بسیار موثری ایفا می‌نماید. کارکردهای خانواده را از سه منظر می‌توان مورد بررسی قرار داد که عبارتند از: کارکردهای وضعی یا برابندی، کارکردهای وظیفه‌ای یا مستمر، و کارکردهای ماموریتی یا بحرانی. مقصود از کارکردهای وضعی یا برابندی خانواده کلیه نتایجی است که به محض تشکیل خانواده، حاصل می‌شود. منظور از کارکرد وظیفه‌ای یا مستمر خانواده، نتایج و پیامدهایی است که انتظار می‌رود یک فرد یا گروه انسانی آن را به انجام برساند. منظور از کارکردهای ماموریتی یا بحرانی وظیفه‌ای خاص است که در شرایطی ویژه برعهده خانواده نهاده می‌شود گردید. از دیدگاه اکثر صاحب نظران، یکی از کارکردهای اساسی وظیفه‌ای و مستمر خانواده، کارکرد تربیتی یا آموزشی است. آموزش فرزندان و آموزش مذهب به کودکان و نوجوانان، جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ، تعلیم و تربیت، اجتماعی کردن کودکان و تعیین پایگاه‌ها و فراهم نمودن امنیت اقتصادی و کارایی و ایجاد پایگاه اجتماعی برای فرزندان را از کارکردهای تربیتی و آموزشی نهاد خانواده می‌باشند. غفلت خانواده در ایفای کارکردهایش و بدکارکردی آن در سایر زمینه‌ها روی

کارکرد تربیتی و آموزشی آن نیز اثر می گذارد. غفلت در کارکرد آموزشی نیز بر کارکرد نهاد آموزش و پرورش تاثیر می گذارد. یکی از کارکردهای وظیفه ای یا مستمر نهاد خانواده در زمینه آموزش و پرورش، هدایت تحصیلی و شغلی فرزندان می باشد.

واژگان کلیدی: خانواده، کارکرد آموزشی، آموزش دانش آموزان

مقدمه

تحصیلات والدین سرآغاز و زیر بنای پیشرفت جریان زندگی خانواده و جامعه است اهمیت تحصیلات صاحب نظران تعلیم و تربیت را به تلاش برای کشف مهمترین عوامل موثر در پیشرفت و یافت تحصیلی وضعیت رفتاری و درس و اداری نموده است. نقش تحصیلات والدین، در تربیت فرزندان و جلوگیری از بروز ناهنجاری ها رعایت نظم و انضباط در خانه و جامعه رشد شخصیت و اعتماد به نفس و عزت نفس و دوری از لغزش ها، داشتن هدف در زندگی توانایی در برقراری روابط محبت آمیز و برخورد خوب و مودبانه با دوستان و همکلاسی ها و معلمان، پرورش احساس مسئولیت در برابر خانواده و جامعه رعایت بهداشت فردی و نظافت عمومی، نگهداری و حفظ منابع طبیعی و اموال عمومی بسیار حساس و مهم است والدین می توانند بدین وسیله سرمشق و الگو نمونه ای شایسته ای برای فرزند خود باشند سواد و تحصیلات خانواده یکی از عوامل مهم پیشرفت بشر در جهان امروز است پیشرفت تکنولوژی، صنعت، بهداشت مدیون این عامل مهم است. در زمان ورود به دبیرستان، دانش آموز قرار است حوزه ای را انتخاب کرده و انتخاب های شغلی اش را بسازد. اما این مرحله به دلیل عدم آموزش های شغلی در سطح ابتدائی، برای کودک بسیار دشوار است. دانش آموزان برای تصمیم گیری نیاز به راهنمایی دارند. در حال حاضر منابع اساسی دانش آموز در جهت دهی و تصمیم گیری ارزیابی در امتحانات است که ممکن است بر خلاف میل یا خواسته های او باشد. بعلاوه فشارها و اجبارهای والدین می توانند انتخاب های او را شکل دهند (خان، ۲۰۱۸). پایه ریزی مسیر شغلی افراد بسیار زودتر از تصور همگان صورت می گیرد. اما این تنها والدین

نیستند که از این موضوع غافل مانده اند، روانشناسی رشد توجه ویژه‌ای به مطالعه در مورد رشد کودک دارد، اما راجع به رشد شغلی و رفتار شغلی بزرگسالان نسبت به رشد شغلی در کودکان بسیار بیشتر می‌دانیم. با اینکه آگاهی از مسیر شغلی یک سیر رشدی است که از کودکی آغاز می‌شود و تا کهنسالی ادامه دارد، در این حوزه درباره کودکان کوتاهی شده است (هارتونگ، پورفلی و اندر اسک، ۲۰۰۵). در واقع هدایت تحصیلی و انتخاب رشته در پایه نهم نیز بخشی از فرایند مسیر شغلی فرد را تشکیل می‌دهد. بر اساس آمار استخراج شده از سازمان آمار ایران در سالنامه آماری کشور بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، بیش از ۱۶ درصد از جمعیت کشور ما محصل در آموزش و پرورش می‌باشند و با موضوعی به نام هدایت تحصیلی و تأثیرات آن روبرو خواهند بود (عباسی، ۱۳۹۶). نتایج پژوهشی از پرتوینیا و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که می‌توان از طریق مشاوره مسیر شغلی، رشد نقشه شناختی اشتغالات دانش‌آموزان ابتدایی را گسترش داد و برای انتخاب شغل بهتر کمک کرد.

در پژوهشی (زینک و روژسکی، ۲۰۱۸) تأثیر و نقش والدین بر انتخاب‌های تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان مورد حمایت قرار گرفت. همچنین در پژوهشی که توسط دانا گریفین و همکاران (۲۰۱۱) انجام شد، نتایج نشان داد که نوجوانان مناطق حاشیه شهر و خانواده‌های با سطح درآمد پایین، راجع به منابع کسب اطلاعات ایشان در باب انتخاب رشته و شغل، بیشترین رجوع و اعتماد را در این باب نسبت به معلمان خود دارند. پژوهش‌هایی در زمینه عوامل مؤثر دوران دبیرستان بر انتخاب رشته تحصیلی انجام گرفته است، اما از آنجایی که نقش دوره‌های مختلف رشدی بر انتخاب‌های فرد می‌تواند مؤثر باشد، پژوهشگر به دنبال پاسخ گویی به این سؤال است که عوامل تأثیر گذار دوران پیش از دبستان و دبستان دوران کودکی بر انتخاب رشته دانش‌آموزان پایه نهم چه می‌باشد؟

موفقیت و پیشرفت تحصیلی به عوامل زیادی بستگی دارد که این عوامل در مجموعه فردی، آموزشگاهی، خانوادگی و اجتماعی طبقه بندی شده است. پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان به عوامل متعددی نظیر میزان درآمد خانواده، سطح تحصیلات، محیط مدرسه، فضای خانواده،

نوع مدرسه، امکانات آموزشی، معلم و رفتار معلم، محل زندگی، همکلاسی، محل مدرسه و عوامل بسیار دیگر بستگی دارد. سطح تحصیلات والدین همانند سایر عوامل به شکل های گوناگون در انتخاب رشته دانش آموزان موثر است. ممکن است دانش آموزانی که والدین آنها از سطح سواد بالایی برخوردارند و در انجام تکالیف خود دچار مشکل شوند والدین در انجام تکالیف مدرسه آنها را راهنمایی کنند اما اگر والدین بی سواد باشند نمی توانند فرزندان خود را در امر تحصیل راهنمایی کنند. نحوه نگرش والدین به تحصیلات فرزندان نیز در پیشرفت تحصیلی آنها موثر است. (بیابانگرد، ۱۳۸۹)

بخش اول: اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت این پژوهش در آن است که با شناخت عمیق و بیشتر نوجوانان و دانستن مسائل و ویژگی های خاص هر گروه از آنها نخست قادر به تشخیص آنها از سایر کودکان می شویم و سپس با ارائه راه حل های مناسب جهت رفع یا بهبود مشکلات آنها تلاش می کنیم از آن جایی که سطح سواد والدین و عوامل تأثیر گذار دیگری که قبلاً بیان شد بر سلامت روانی کودکان تأثیر دارد و سلامت روانی نیز در پیشرفت کودکان و نوجوانان در تحصیل موثر است باید شناخت عمیق تری از سطح سواد و تحصیلات و طبقات اجتماعی به دست آوریم و به اضطراب ها، تنش ها و مشکلات خانوادگی کودک پی برده و در جهت رفع آنها و خدمت به کودکان تلاش کنیم. هر گاه در مورد وضع تحصیل و چگونگی پیشرفت تحصیلی فرزندان صحبت به میان می آید اغلب با پدر و مادرهایی برخورد می کنیم که اظهار دارند فرزندان خانواده های تحصیل کرده از پیشرفت و دانش آموزانی که دارای والدین بی سواد هستند اصولاً در تحصیل نمی توانند پیشرفت کنند همچنین پدران و مادرانی می بینیم که نگرش خاصی نسبت به مدرسه و تعلیم و تربیت کودکانشان دارند و این که تعلیم و تربیت و راه های ترقی و پیشرفت آن را فقط مدرسه می دانند و خود را در امر تعلیم و تربیت سهم نمی دانند و فکر می کنند وظیفه والدین تربیت کردن و بار آوردن فرزندان است.

والدین هر چه مطلع و بصیر تر باشند و در تربیت فرزندان پر استعداد خود بکوشند، در محیط نامناسب و ناهماهنگ موفقیت چندانی نخواهد داشت درست مثل اینکه بذر اصلاح شده و

مرغوب را در زمین شوره زار و غیر قابل کشت بکارند که مسلماً بارور نخواهد شد (افروز، ۱۳۸۶) نهایتاً فرضیه مطروحه این پژوهش عبارت است از: بین میزان تحصیلات والدین و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد. وقتی راجع به کارکرد چیزی صحبت می‌شود، مقصود آثار و نتایجی است که از آن چیز باقی می‌ماند. وجود هرچیز، پیامدهایی دارد، که به این پیامدها کارکرد نیز گفته می‌شود. مراد از کارکردهای خانواده، نتایج و آثاری است که از خانواده برجای می‌ماند، نتایجی که در صورت حذف خانواده، جبران آن به راحتی امکان پذیر نیست، یا نتایجی که از طریق نهاد خانواده، بتوان ساده تر، موثرتر و ماندگارتر به آن دست یافت. احمدی (۱۳۸۳) کارکردهای خانواده را از سه منظر مورد بررسی قرار داده است که عبارتند از:

✓ کارکردهای وضعی یا برابندی

✓ کارکردهای وظیفه‌ای یا مستمر

✓ کارکردهای ماموریتی یا بحرانی

مقصود از کارکردهای وضعی یا برابندی خانواده کلیه نتایجی است که به محض تشکیل خانواده، حاصل می‌شود. تشکیل گروه جدید، رفع نیازهای فیزیولوژیک و روان شناختی به شیوه‌ای متفاوت و بنیادی، برانگیختگی انگیزشی زوجین در حیطه‌های نو، حفاظت و حراست بیشتر و بهتر از دین و فرهنگ همگی از آثار وضعی یا برابندی تشکیل خانواده است. مقصود از کارکرد وظیفه‌ای یا مستمر خانواده، نتایج و پیامدهایی است که انتظار می‌رود یک فرد یا گروه انسانی آن را به انجام برساند. وظیفه، یک تکلیف و مسئولیت است که می‌تواند مورد بی توجهی و غفلت قرار گیرد. کارکردهای وظیفه‌ای خانواده، شامل کلیه بایدها و نبایدهایی است که اعضای خانواده، به ویژه زوجین، موظف به انجام و رعایت آن هستند. وظایف اخلاقی، اجتماعی، دینی، بهداشتی، مدنی و... از جمله این کارکردها محسوب می‌شوند. این کارکردها جنبه استمراری دارند. در صورت غفلت از آنها، در سایر کارکردهای خانواده اختلال به وجود می‌آید. منظور از کارکردهای ماموریتی یا بحرانی وظیفه‌ای خاص است که در شرایطی ویژه برعهده خانواده نهاده می‌شود. وظیفه خانواده در شرایط بحرانی، اعم از

جنگ، حوادث غیر مترقبه، بحران های اقتصادی و اجتماعی، وجود بیماری های خاص، مرگ عزیزان و... از جمله کارکردهای ماموریتی خانواده به شمار می آیند.

"اگبرن" به نقل از آقابخشی (۱۳۷۸: ۱۳۹) در چند دهه پیش هفت کارکرد برای خانواده در نظر گرفته است که عبارتند از:

- تولید کالای اقتصادی و خدماتی
- تعیین پایگاه اجتماعی برای فرزندان
- آموزش فرزندان
- آموزش مذهب به کودکان و نوجوانان
- تولید نسل
- حمایت
- عطف و محبت و روابط اجتماعی خانواده

"کونیک" کارکردهای خانواده را تولید و امتداد نسل، جامعه پذیری و انتقال فرهنگ بیان داشته است. "باتامور" به نقل از آقابخشی (۱۳۷۸: ۱۴۰) برای نظام خانواده زن و شوهری چهار کارکرد عمده جنسی، اقتصادی، تولید نسل و تعلیم و تربیت را مطرح کرده است. "ارنست برجس" نیز مهم ترین کارکرد خانواده امروزی را پرورش و حفظ شخصیت اعضای آن می داند. به عقیده او خانواده به منزله یک واحد شخصیت های متعامل است که مهم ترین وظیفه آن تشدید محبت بین زن و شوهر و پرورش شخصیت فرزندان است.

همانطور که ذکر گردید از دیدگاه اکثر صاحب نظران، یکی از کارکردهای اساسی وظیفه ای و مستمر خانواده، کارکرد تربیتی یا آموزشی است. اگبرن آموزش فرزندان و آموزش مذهب به کودکان و نوجوانان را از هفت کارکرد مهم خانواده ذکر کرده است. کونیک جامعه پذیری و انتقال فرهنگ، باتامور تعلیم و تربیت، بروس کوئن اجتماعی کردن کودکان و تعیین پایگاه ها و فراهم نمودن امنیت اقتصادی و کینکزلی دیویس کاریابی و ایجاد پایگاه اجتماعی برای فرزندان را از کارکردهای تربیتی و آموزشی نهاد خانواده ذکر کرده اند. یکی از وظایف خانواده حفظ و نگهداری فرزند و تربیت صحیح آنهاست، که این امر علاوه بر رشد نیاز به

شهامت دارد. روش‌های عظیم هستند که اهمیت این امر و وظیفه‌ای را که در این رابطه وجود دارد درمی‌یابند و در پوشش حیات خانواده به پرورش و ادامه نسلی می‌پردازند که لیاقت عضویتی ارزنده برای زندگی اجتماعی دارند. از دیدگاه اسلام فرزندان در خانواده طلبکار و والدین بدهکارند. حق کودکان متعدد و از جمله مساله تربیت است. والدین وظیفه دارند موجبات خیر و صلاح فرزندان را فراهم آورند و با ایجاد محیط صفا و خلوص و شرایط مناسب کانون خانوادگی را گرم نگه داشته و مساعی خود را در راه تربیت نسل دور از هر شائبه‌ای بکار برند و دامنه این حقوق وسیع است که از آن جمله می‌توان به آموزش و پرورش کودک اشاره نمود. از وظایف والدین دادن آموزش‌های اساسی به کودکان است. آموزشی که موجب سازندگی و خیر و رفاه حال و آینده کودک شود. امام صادق (ع) در این ارتباط با این موضوع می‌فرماید: سزاوارترین چیزی که باید به کودکان آموخته شود چیزی است که چون بزرگ شدند بدان نیاز دارند. (قائمی، ۱۳۶۳: ۱۳۲) والدین باید به کودکان راه و رسم زندگی را بیاموزند. به آنان شغل یاد دهند تا بتوانند در آینده زندگی مستقلی داشته باشند. امروزه کارکرد تربیتی و آموزشی خانواده به لحاظ صنعتی شدن، شهرنشینی، گسترده‌گی نیازهای جامعه و اهمیت والائی که در رشد و توسعه یافتگی جوامع دارد، به نهاد آموزش و پرورش واگذار شده است. در عصر جدید که تولید اقتصادی از خانواده به کارخانه منتقل شده است، برای موسسات آموزشی ضروری می‌نمود که نقش بیشتری را در فرایند اجتماعی شدن ایفا کنند. اغلب، آماده شدن برای کار در یک جامعه شهری، مستلزم سطح بالای تخصص است که تنها مدارس فنی و حرفه‌ای و دانشگاه‌ها قادر به ارائه و آموزش آن هستند. ولی این مسئولیت خطیر از نهاد خانواده سلب نشده است. غفلت خانواده در سایر کارکردها و بدکارکردی آن در سایر زمینه‌ها روی کارکرد تربیتی و آموزشی آن نیز اثر می‌گذارد. غفلت در کارکرد آموزشی بر کارکرد نهاد آموزش و پرورش نیز تاثیر می‌گذارد. وقتی افراد به عنوان نوجوان و جوان از خانواده خود بیرون می‌آیند، صرفاً "شخص" ظاهر نمی‌شود، بلکه "شخصیت" ظاهر می‌گردد. این شخصیت که مجموعه‌ای از ویژگی‌های اکتسابی فرد را به نمایش می‌گذارد، به طور مستقیم در محیط پیرامون تاثیر گذار است. یعنی هر فرد با یک سرمایه اجتماعی خاص راه خانه تا جامعه را

می‌پیماید. اگر این سرمایه نامطلوب باشد اثر نامطلوب بر زندگی اجتماعی خواهد داشت و اگر مطلوب باشد به زندگی اجتماعی جهت مثبت خواهد بخشید. بندورا که از نظریه پردازان رویکرد یادگیری است، شخصیت انسان را محصول یادگیری اجتماعی در شرایط محیطی و اجتماعی می‌داند. برای نوجوانان تعامل با والدین و همسالان و تجربیات آموزشگاهی، موثر می‌باشد. در نظریه‌های یادگیری اجتماعی بندورا و دیگران، نقش زیادی برای الگوهای اجتماعی در فرایند اجتماعی شدن قایل می‌شوند. والدین، همسالان، معلمان، هنرپیشه‌ها، ورزشکاران و... مهم ترین الگوهایی هستند که بر نوجوانان تاثیر می‌گذارند. لذا نمی‌توان نقش و جایگاه خانواده را در هدایت تحصیلی و شغلی فرزندان و کاربایی و ایجاد پایگاه اجتماعی برای آنان نادیده گرفت. بدین جهت در ادامه مقاله این کارکرد آموزشی خانواده مورد بحث قرار می‌گیرد تا مشخص شود خانواده در فرایند هدایت تحصیلی و شغلی فرزندان از چه جایگاهی برخوردار است؟ البته لازم است قبل از تبیین این موضوع، به بررسی معنا و مفهوم هدایت تحصیلی و شغلی پرداخته شود.

بخش دوم: محیط خانواده

تجربه و آگاهی اولیه کودکان از انسان‌های دیگر در بافت خانواده شکل می‌گیرد به علاوه کیفیت فرایندهای دلبستگی و پیوند میان والدین و نوزاد در ماه‌های اولیه زندگی، برای بهداشت، هیجانی فرد بسیار مهم و حیاتی است خانواده مرحله‌ای مهم برای یادگیری درباره دین بوده و اجتماعی شدن کلی در آن روی می‌دهد. خانواده به عنوان در دسترس ترین سیستم حمایتی کودکان مد نظر قرار می‌گیرد. در نتیجه هر آنچه که این سیستم حمایتی را کمرنگ نماید (مانند تغییرات دوران بلوغ، جدایی پدر و مادر یا به ویژه سبک خانواده منفی)، عوارض جانبی، برای کارکردهای کودک، انطباق و هویت یابی او ایجاد می‌کند. (حیدری، ۱۳۸۵)

بخش سوم: تحصیلات والدین

از آن جا که تحصیلات والدین می‌تواند نقش مهمی در امر تربیت فرزندان داشته باشند و والدین تحصیل کرده به دلیل احراز مشاغل بهتر و مفید تر به خودی خود از فرهنگ بالاتر و محیط و موقعیت بالاتر و محیط و موقعیت بهتری برخوردار خواهند بود و برخورداری از

موقعیت خوب اجتماعی به نوبه خود تأثیر روی نگرش فرزندان نسبت به والدین و احساس امنیت و اعتماد به نفس آنها می‌شود و در نتیجه بهتر می‌توانند با محیط خود ارتباط برقرار کنند و همین امر موجب رشد و شکوفایی استعداد آنها می‌شود. در حالی که کودکی که والدین وی تحصیلات خوبی ندارند نه تنها نمی‌توانند به وجود آنها افتخار کنند بلکه در خود احساس حقارت می‌کنند. ارتباط و تعامل آنها از سایرین کمتر است. البته تحصیلات به تنهایی نمی‌توانند عامل پیشرفت فرد محسوب شود. اما از آنجا که تحصیلات می‌تواند موجب آگاهی بیشتر و قرار گرفتن در وضعیت اجتماعی، اقتصادی بالاتر می‌گردد و نیز در تحقیقات ثابت شده که شغل و سطح اجتماعی والدین نیز رابطه مستقیمی با پیشرفت تحصیلی فرزندان دارند. بنابراین ملاک انتخاب تحصیلات والدین و تأثیری که بر روی پیشرفت تحصیلی فرزند آنها می‌گذارد به این دلیل منظور شده است که خانواده‌های با تحصیلات بالاتر فرزند کمتری دارند و بنابراین بهتر می‌توانند با آنها در ارتباط باشند. معمولاً وقت بیشتری برای رسیدگی به مسائل آنها را دارند. کودکی که در کنار بزرگسالان تحصیل کرده و اهل مطالعه و با حوصله پرورش یافته و بزرگ می‌شود مسلماً پیشرفت تحصیلی او از سایر کودکانی که از چنین محیط مساعدی بی‌بهره‌اند به مراتب بالاتر است. (گلی زاده، ۱۳۸۹)

بخش چهارم: بی‌سوادی والدین

بی‌سوادی والدین نیز یکی از پارامترهایی است که می‌تواند در افت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر باشد، زیرا عدم توانایی والدین جهت کمک به فرزندان در امر تحصیل و نبودن پشتیبان در جهت راهمایی فرزندان، می‌تواند سبب سر در گمی دانش‌آموز و ایجاد اضطراب در او گردد. همین عدم اطمینان در مورد آن چه که دانش‌آموز انجام می‌دهد و نبود راهنما در منزل سبب می‌شود تا دانش‌آموز با یقین و اطمینان کامل نتواند به پیش برود. البته این مطلب کلیت ندارد و دانش‌آموزان با استعداد می‌توانند بدون راهنما نیز به سر منزل مقصود برسند و لیکن این موضوع، مربوط به دانش‌آموزانی است که دارای استعداد کمتری هستند و جهت پیشرفت، نیاز به یاری دهنده دارند. (کاووسی، ۱۳۸۲، ۹)

بخش پنجم: منظور از هدایت یا راهنمایی تحصیلی و شغلی

هدایت را ارائه طریق، ایصال به هدف و به معنی راهنمایی و ارشاد گفته اند که در آموزش و پرورش، مقصود از آن، راه نمودن و کمک به مراجع برای رشد و شکوفایی و بروز استعدادها و امکانات خود است که با اختیار و انتخاب خود صورت گیرد نه با اجبار و اکراه. (امین فر، ۱۳۶۵)

هر صاحب نظری با توجه به جهان بینی و نگرشی که به انسان و تعلیم و تربیت او دارد، راهنمایی را به صورتی تعریف کرده است. به نظر شرتز و استون (۱۹۷۴) راهنمایی تلاش پویائی است که انسان را در خودشناسی و آشنایی با پیرامون یاری می دهد. به اعتقاد ترگسلر راهنمایی فعالیتی است که انسان را از توانائی ها و رغبت هایش آگاه می سازد و موجب می شود که فرد پس از شناخت توانائی ها و محدودیت هایش در جهت زندگی بهتری گام بردارد. به نظر مک دانیل راهنمایی کمک به فرد است تا بتواند فرصت های تحصیلی و شغلی و شخصی را به درستی و آگاهانه تشخیص دهد و از هر موقعیت بیشترین استفاده و بهره ممکن را ببرد. (شفیع آبادی، ۱۳۸۴: ۱۲) در تعریف دیگری راهنمایی یا هدایت فرد یعنی کمک به فرد برای شناختن خود و محیط خویشتن. (شریعتمداری، ۱۳۷۸)

راهنمایی کمک و یاری منظمی است به فرد، در اینکه استعدادهای خود را دریابد، رفتار حالات خویش را منظم و متعادل سازد، قادر به حل مسایل خود شود و در انتخاب دروس یا رشته تحصیلی بتواند تصمیم بگیرد، کار و شغل مناسب برای خود پیدا کند، برای رقابت آزاد و پسندیده تربیت شود، شایستگی و شرایطی را دارا شود تا بتواند به بهترین وجه ممکن رشد و کمال یابد. (اردبیلی، ۱۳۷۴) تحول جامعه از حالت ساده و ابتدائی به وضعی پیچیده و بگرنج، شهرنشینی و صنعتی شدن مسائل و مشکلاتی را برای انسان به وجود آورده است که پیشگیری و حل آنها لزوم بهره گیری از راهنمایی و مشاوره را ضرورت می بخشد. هر قدر جامعه گسترده تر و روابط افراد پیچیده تر گردید، لزوم راهنمایی جدی تر مطرح شده، و ضرورت ارائه خدمات راهنمایی بیشتر احساس شد. راهنمایی یک جریان مداوم و مستمر تربیتی است که در هر مرحله ای از زندگی انسان با روشها و اهداف مشخصی در مورد فرد اعمال می گردد. در نظام آموزشی، راهنمایی فرد باید از کودکستان آغاز شود و تا پایان تحصیل ادامه یابد. راهنمایی را میتوان

بخشی از فرایند آموزش و پرورش تلقی کرد. که ارضای نیازهای جسمی، ذهنی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفی دانش آموزان را تسهیل می کند. راهنمایی برای حصول سریع و درست اهداف آموزش و پرورش ضرورت دارد. (شفیع آبادی، ۱۳۸۴: ۱۰)

هدایت و راهنمایی انواع مختلفی دارد که از آن جمله می توان به راهنمایی تحصیلی و راهنمایی شغلی اشاره نمود. راهنمایی تحصیلی مجموعه کوشش های منظمی است که از طرف مدرسه در جهت کمک به دانش آموزان در انتخاب واحدهای درسی، رشته های تحصیلی، حل مشکلات آموزشی و اطلاع از مقررات مدرسه صورت می گیرد. (صافی، ۱۳۷۹: ۳۲) ایشان با این تعریف راهنمایی تحصیلی را از کارکردهای اساسی نهاد آموزش و پرورش و مدرسه می داند. در حالی که راهنمایی تحصیلی تلاش و فعالیتی است علمی که در جهت برقراری حداکثر توافق ممکن بین خصایص فرد مورد راهنمایی و شرایط و مقتضیات تحصیلی بعدی صورت می گیرد. (شکوهی، ۱۳۶۷) راهنمایی شغلی نوع دیگری از راهنمایی است. "فرانک پارسونز" که وی را از مبتکران راهنمایی شغلی می دانند، راهنمایی شغلی را پویشی می داند که به جوانان در انتخاب شغل، آماده کردن آنها برای شغل انتخاب شده، رسیدن به آن و بالاخره خط مشی موفقیت آمیز کمک می کند. (صافی، ۱۳۷۹: ۳۴) "ساندرسون" راهنمایی شغلی و حرفه ای را جریانی می داند، که با طرح ریزی، آمادگی و سازش فرد با شغل انتخاب شده سروکار دارد. از طریق راهنمایی شغلی و حرفه ای به فرد کمک می شود که پس از بررسی دنیای مشاغل و شناسایی خصوصیات شخصی، شغلی را انتخاب نماید و سپس برای انجام شغل مورد نظر از طریق گذراندن دوره های آموزشی آماده شود و در دوره اشتغال با رضایت کافی به انجام شغل مورد نظر ادامه دهد "سوپر" راهنمایی شغلی را فرایندی مداوم و پیوسته می داند که بدان وسیله به فرد کمک میشود تا بتواند شغل مناسبی را انتخاب کند، برای آن آماده شود، به آن اشتغال ورزد، و بطور موفقیت آمیزی به اشتغال ادامه دهد. (شفیع آبادی، ۱۳۶۷: ۱۶) پیوستگی و تنیدگی مسایل راهنمایی تحصیلی با مسایل راهنمایی حرفه ای به حدی است که تصور جدا دانستن این دو از هم امکان پذیر نیست. زیرا راهنمایی تحصیلی سرآغاز راهنمایی حرفه ای است. انجام راهنمایی تحصیلی و شغلی در تمام ادوار زندگی و دوره های تحصیلی ضروری است و در هر

دوره سنی، اهداف خاص و شیوه های اجرایی معینی دارد. آموزشهای اولیه خانواده و نیز وسایل ارتباط جمعی و آموزشهای مدرسه ای در این فرایند نقش موثری دارند. دقت در این مفاهیم نشان می دهد که در جریان هدایت و راهنمایی تحصیلی و مخصوصا راهنمایی شغلی خانواده نیز می تواند نقش اساسی ایفا نماید.

نتیجه گیری

بخشی از مشکلات یک نوجوان مشکلات تحصیلی است و دانش آموزان دبیرستانی در انتخاب رشته تحصیلی، شرایط ورود به دانشگاه، انتخاب حرفه و... نیازمند کمک والدین هستند که والدین در این زمینه می توانند با مشاور مدرسه نیز همکاری کنند. والدین نقش مهمی در شناخت استعداد فرزندان و هدایت آنها دارند و راه رسیدن به این شناخت درک متقابل و ارتباط نزدیک والدین و فرزندان است. استفاده از مشورت و راهنمایی والدین گزینه ای است که هرگز نباید در این گونه انتخابها نادیده گرفته شود، چرا که تجربه والدین خود نکته حایز اهمیتی است که در طول سالیان دراز به دست آمده و می تواند نقشه راهنمای خوبی برای فرزندان باشد. والدین در شناخت علایق و استعدادهای فرزندان نقش بسیار مهمی دارند، چون فرزندان بیشترین زمان را با آنها سپری می کنند و به خصوص دوران کودکی که نقش اصلی را در تربیت فرزند ایفا می کنند و زمان خوبی برای کشف علایق فرزندان است. پدران و مادران از طریق برقرار کردن روابط و تعامل با مدرسه و دیگر نهادهای تربیتی می توانند در شناسایی این مقوله نقش مهمی را رقم بزنند. چایچی، سعیدی، هیبت الهی، بالی تیرکده، علیزاده، آمانا و سایر پژوهشگران نشان داده اند که سواد و اطلاعات والدین، شغل والدین، محل سکونت، وضعیت اقتصادی خانواده، میزان درآمد ورشته تحصیلی فرزندان اول تاثیر مستقیم بر انتخاب رشته تحصیلی دانش آموزان دارد.

ارائه پیشنهادات و توصیه های نویسندگان

به منظور ایفای نقش فعال و اساسی خانواده در کارکرد هدایت تحصیلی و شغلی فرزندان، بر اساس یافته های فوق پیشنهاد می گردد:

۱. یافته های پژوهشی حاکی از آن است که در میان جوانان اولین گروه مرجع، پدر و سپس

مادر است. جوانان، اعضای خانواده را به عنوان بهترین همدم معرفی کرده اند. در زمینه مالی، حتی به دوستان خودشان هم اتکای زیادی ندارند و نقش عمده را اعضای خانواده به ویژه پدر و اولویت دوم مادر ایفا می کنند. این امر رسالت خانواده را در هدایت تحصیلی و شغلی فرزندان دوجندان می نماید. لذا شایسته است والدین با دریافت آموزش های لازم در این زمینه خود را به ایفای این نقش خطیر آماده نمایند. احداث و راه اندازی مراکز راهنمایی و هدایت تحصیلی و شغلی و شرکت اولیاء در برنامه های این مراکز اقدام شایسته ای در این زمینه خواهد بود.

۲. والدین با فراهم نمودن محیط و فضای مناسب برای یادگیری، شیوه های صحیح مطالعه و تمرین دروس، نحوه استفاده از منابع، و یادگیری یادداشت برداری را که از شیوه های اجرایی راهنمایی تحصیلی محسوب می شوند، به فرزندان خویش آموزش دهند. و خود در این زمینه از آموزش های لازم برخوردار باشند.

۳. اولین محیطی که کودک با ارزش های کار و مفاهیمی مانند نظم و انضباط و یا پذیرش مسئولیت آشنا می شود، محیط خانواده است. روحیه کار و تلاش، پرهیز از تنبلی و سستی، در تربیت خانوادگی بروز و ظهور می یابد. و از این طریق خانواده نقش موثری در رشد و تعالی دانش آموزان ایفا می نماید. لذا شایسته است والدین با آموزش های خود فرزندان را بانقش مشاغل در جامعه و لزوم اشتغال در مشاغل مشروع آشنا سازند. و زمینه مناسب برای بازدید فرزندان از موسسات و اماکن کار برای آشنایی بانقاط ضعف و قوت حرف و مشاغل مختلف را فراهم نمایند.

۴. والدین نقش مهمی در شناخت استعداد فرزندان و هدایت آنها دارند و راه رسیدن به این شناخت درک متقابل و ارتباط نزدیک والدین و فرزندان است. لذا توصیه می شود، به شیوه های تعامل و ارتباط صحیح والدین و فرزندان بهای بیشتری داده شود و این امر خطیر از طریق رسانه های ارتباط جمعی و کلاس های آموزش خانواده مورد توجه و تاکید بیشتری قرار گیرد.

۵. یافته های پژوهش های متعددی نشان داده است اعضای خانواده در تمامی امور تحصیلی -

شغلی دانش آموز در مقایسه با سایر گروه ها نقش تعیین کننده تری دارند. پس از خانواده، اولیاء مدرسه و با اندکی تفاوت دوستان، در امورات تحصیلی و شغلی مورد مشورت و مخاطب دانش آموزان هستند. و لذا شایسته است مشاورین مدارس در فرایند هدایت تحصیلی و انتخاب رشته تحصیلی و راهنمایی شغلی دانش آموزان، تعامل و همفکری جدی با والدین دانش آموزان که ارتباط بیشتری با آنان در خانواده دارند داشته باشند.

۶. به منظور تعامل بیشتر والدین با مشاورین مدارس در هدایت تحصیلی و شغلی دانش آموز پیشنهاد می گردد در کلاس های آموزش خانواده انجمن اولیا و مربیان، برنامه های آموزشی و توجیهی برای اولیاء به منظور آشنائی با فلسفه و شیوه اجرای نظام جدید آموزش متوسطه و فرایند هدایت تحصیلی و انتخاب رشته تحصیلی گذاشته شود.

در پایان باید گفت یافته های پژوهش نشان می دهد بین حمایت اجتماعی و دیگر راهبردهای مقابله ای مسئله مدار با پیشرفت تحصیلی نوجوانان رابطه مثبتی وجود دارد. بدین ترتیب می توان گفت که نوجوانان با استفاده و دریافت حمایت اجتماعی، شناختی و عاطفی از دوستان، قادر به برنامه ریزی کارآمد و مؤثرتری برای حل مشکلات تحصیلی خویش می شوند و این امر به برانگیزش تحصیلی و در نتیجه بر پیشرفت تحصیلی آنان تأثیر می گذارد. همچنین نوجوانان دختری که در رویارویی با مشکلات و تنیدگی ها از راهبردهای مسئله مداری چون مشورت با افراد متخصص و دارای صلاحیت استفاده می کنند، به دلیل دریافت حمایت اطلاعاتی و عاطفی از این افراد، نشانگر تنیدگی کمتری را (اضطراب، افسردگی) تجربه کرده و در نتیجه عملکردهای کلی و تحصیلی بهتری دارند.

منابع و مآخذ

- آرمند، محمد (۱۳۷۲)، نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی، انجمن اولیاء و مربیان، شماره ۱۶۸.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۶)، مبانی روانشناختی افت تحصیلی، انتشارات مدرسه.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۲). روانشناسی نوجوانان. چاپ هفتم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عفیفی، مریم (۱۳۷۶). بررسی میزان تأثیر وضع اقتصادی و اجتماعی والدین بر پیشرفت تحصیلی.
- نخودچی، جواد (۱۳۷۵). بررسی عوامل موثر بر انتخاب رشته تحصیلی در دوره دبیرستان با تکیه بر رشته ادبیات و علوم انسانی، طرح پژوهشی چاپ نشده، اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی.

